

الگوی تلفیقی آموزش جرائم زیست محیطی برای افسران پلیس

حبیب احمدی^۱

دکتر عفت عباسی^۲

چکیده

امروزه مقابله با جرائم زیست محیطی به یکی از مهم ترین وظایف پلیس تبدیل شده است. ماهیت چند بعدی جرائم زیست محیطی نیازمند ابزارها و برنامه های آموزشی نوآورانه برای مقابله با آنها است. هدف از این پژوهش نشان دادن اهمیت آموزش جرائم زیست محیطی برای بهبود کارایی یا صلاحیت کارکردی افسران پلیس است. این تحقیق، از جنس تحقیقات کیفی است و با توجه به سوال اول تحقیق، تبیین رویکردها و الزامات از روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به سوال دوم، ارائه الگوی تلفیقی از روش توصیفی - استنتاجی استفاده شد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات روش کتابخانه ای می باشد که با بهره گیری از مطالعات کتب، مقالات، رساله ها و پایان نامه ها و همچنین بررسی اسناد و مدارک موجود در سازمان های که در مورد محیط زیست و پلیس فعالیت پژوهشی دارند و جمع آوری بیانات ولایت فقیه در حوزه محیط زیست است. در این تحقیق، در ابتدا ضرورت ها و الزامات شناخت جرائم زیست محیطی و آموزش پیشگیری و مقابله با آن برای افسران پلیس تشریح و سپس بر اساس یافته های تحقیق، یک الگوی برنامه درسی تلفیقی آموزش محیط زیست و اجرای قوانین متصور بر آن برای افسران پلیس ارائه که متشکل از ۶ عامل اصلی (۱) آموزش محیط زیست: اصول، اهداف، رویکرد، منابع و ارزشیابی (۲) خط مشی (۳) رهبری (۴) مشوق ها (مالی و غیرمالی)، (۵) شبکه سازی (افراد مرتبط و شبکه زیست محیطی) و (۶) اجرای قانون محیط زیست: دانش و عمل ارائه شده است. همچنین با توجه به نتایج تحقیق می توان گفت که

۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا (نویسنده مسئول): ahmadihabib_2006@yahoo.com.

۲ استادیار گروه برنامه ریزی درسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (effatabbasi@gmail.com).

تحقیقات در زمینه جرائم زیست محیطی در مقایسه با جرائم دیگر، با توجه به امکانات و آموزش‌های موجود، در شرایط نامساعد قرار دارند.

کلیدواژگان: جرائم زیست محیطی، پلیس، پیشگیری، آموزش، برنامه درسی، الگوی تلفیقی.

مقدمه

محیط "میراث مشترک بشریت" است مفهوم آن اینست که همه انسان‌ها باید برای بقای خود در محیط مناسب پایدار، در حفظ محیط زیست کوشا باشند. طبق گزارش مشترک بخش محیط زیست سازمان ملل متحد و اینترپل، جرائم زیست محیطی برای ۸۰ درصد کشورها به عنوان یک اولویت ملی تلقی می‌شود (گزارش اینترپل و محیط زیست سازمان ملل^۱، ۲۰۱۶: ۸). هرچند که عواقب تخریب محیط زیست، فراتر از مرزهای ملی است.

با توجه به امکان دستیابی به سود بالا و ریسک کم بازیگران آن، جنایت زیست محیطی در حال گسترش است. آنچه در افزایش این پدیده دخیل است فقدان واحدهای سازمانی تخصصی و متخصصان برای این نوع جرم، عدم وجود مقررات قانونی و ناهماهنگی در اجرای آن و بالاتر از همه، یک سیاست جنایی بی اثر است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب کرد که برای اولین بار جرم زیست محیطی را به عنوان موردی از جرائم سازمان یافته فراملی معرفی نمود. تصویب این قطعنامه، گامی بزرگ برای سازمان محیط زیست ملل متحد و تلاش‌های شرکای آن در افزایش آگاهی از تهدید رو به رشد جنایات زیست محیطی برای صلح، امنیت، توسعه پایدار و حاکمیت زیست محیطی بوده است. جرائم زیست محیطی در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی به موضوع مهمی تبدیل شده است و هم اکنون به جایگاه چهارم در میان فعالیت‌های غیر قانونی بین‌المللی پس از قاچاق مواد مخدر، جعل اسناد و قاچاق انسان

^۱ INTERPOL-UN Environment

رسیده است (نسلن^۱، ۲۰۱۶: ۴۱۵). این جرائم، هر ساله به میزان پنج تا هفت درصد افزایش می‌یابد و تهدید رو به رشد برای صلح، امنیت و ثبات است. همچنین، پیوند این جرائم با سایر فعالیت‌های جنایتکارانه از اهمیت ویژه‌ای برای کشورها برخوردار است: ۸۴ درصد از کشورها بررسی شده همگرایی بین جرائم زیست‌محیطی و سایر جرائم خطرناک که شامل فساد اداری (۴۲ درصد)، جعل اسناد (۳۹ درصد)، قاچاق مواد مخدر (۳۶ درصد)، جرائم سایبری (۲۳ درصد)، جرائم مالی (۱۷ درصد) گزارش داده‌اند (آی.اف.ای. دبلیو^۲، ۲۰۱۷). در واقع این آمار به این نکته اشاره دارد که چگونه جرائم خاص محیطی، مانند دفع غیر قانونی زباله و قاچاق در حیات وحش و... می‌تواند به طور همزمان با جرائم دیگر جنایی یا فعالیت‌های غیر قانونی از طریق رشوه‌خواری و فساد از طریق عدم وجود مجوزهای مورد نیاز مرتبط باشد (بارت و وایت^۳، ۲۰۱۷: ۲).

از این رو، در طول چند دهه گذشته، جامعه بین‌المللی به این مساله پی برده است که برخی تخلفات محیطی، جامعه، رفاه مردم و محیط‌زیست را به شدت تهدید می‌کنند که این تخلفات پیامدهای ناگواری به همراه خواهند داشت. همانند دیگر بخش‌های دنیا، در ایران نیز به دلیل اثرات فزاینده رشد سریع جمعیت، کشاورزی متمرکز، شهرنشینی و صنعتی‌سازی باعث افزایش تخریب محیط‌زیست و کاهش منابع شده است. امروزه، مسئله آسیب‌های منتهی به تضرع و تخریب محیط زیست - که بیشتر پیامد اقدامات و فعالیت‌های انسان هستند - از مهمترین مسائل جهانی است که جوامع بشری اعم از توسعه‌یافته و یا در حال توسعه با آنها مواجه‌اند. اهمیت این موضوع نه تنها از جنبه زیست‌محیطی و آثار آن بر روی سامانه‌های (سیستم‌های) منابع طبیعی، بلکه از نظر اقتصادی نیز دارای اهمیت است.

^۱ Neslen

^۲ International Fund for Animal Welfare (IFAW)

^۳ Barrett & White

بنابراین، کم و کیف محیط زیست در فرایند توسعه پایدار نقش و جایگاه اصلی را دارد (فطرس، فردوسی، مهریما، ۱۳۹۰: ۱۳).

جرائم زیست‌محیطی پدیده‌ای مضر و به شدت خطرناک است که منجر به آلودگی محیط زیست، از بین رفتن منابع طبیعی، نابودی زیستگاه گیاهی و دنیای حیوانات می‌شود و بالاتر از همه، سلامت و بقای مردم را مورد سوال قرار می‌دهد. این نوع جرائم "درآمد دولت" را کاهش می‌دهد، قاعده قانون و فساد را نقض می‌کند، اعمال خشونت بر جامعه محلی را تحمیل می‌کند و آنهایی که با آن مبارزه می‌کنند را به خطر می‌اندازد (الویت^۱، ۲۰۱۲: ۱۰۴). اینها فقط برخی از دلایلی هستند که چرا مبارزه با جرائم زیست‌محیطی باید اولویت همه مسئولان زنجیره واکنش اجتماعی و به ویژه پلیس به عنوان عاملی غیرقابل جایگزین در این نبرد باشد.

همانطور که عبور از چراغ قرمز، نبستن کمربند ایمنی و سایر ناهنجاری‌های اجتماعی عناصری تهدید کننده برای جان شهروندان قلمداد می‌شود، تخلفات زیست‌محیطی نیز تخطی از قانون و تهدید کننده جان افراد جامعه است. بنابراین ورود پلیس می‌تواند عاملی معنی‌دار در این خصوص به شمار آید. سازمان حفاظت محیط‌زیست به تنهایی نمی‌تواند ضابط قوه قضاییه باشد و کشور ما نیازمند به پلیس محیط‌زیست می‌باشد، پلیسی که ضابط قوه قضاییه در مساله برخورد با جرائم زیست‌محیطی باشد. پلیس از طریق شناسایی جرائم، بازرسی، بررسی نقض، حمایت از پیگیری اجرا، محافظت از کسب و کار، و نظارت بر گردشگری و جامعه، نقش حیاتی در اجرای عدالت کیفری در امور محیط‌زیست ایفا می‌نماید. در واقع، مقابله با جرائم زیست‌محیطی در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین وظایف پلیس است. در این زمینه، فعالیت‌های پیشگیرانه نقش مهمی در وظایف برنامه‌ریزی شده و منظم پلیس ایفا می‌کنند و توجه ویژه‌ای به آگاهی دادن به افراد جامعه دارند.

^۱ Elliott

لذا، برای حفظ طبیعت، رویکردهای آموزشی مناسبی نیاز است که در جهت رو به رشد دانش، رفتار و نگرش زیست‌محیطی حرکت نمایند. به‌طوری که به همراه توسعه‌ی دانش و مهارت‌های موردنیاز، به آینده‌ای مطمئن سوق دهد. یکی از مهم‌ترین ابزارها، آموزش محیط‌زیست است که با تأثیرگذاری بر فرهنگ جوامع و در واقع با بسترسازی لازم، شرایط حصول نتیجه را فراهم می‌آورد. در واقع، آموزش زیست‌محیطی بنیادی‌ترین شیوه در حفاظت محیط‌زیست بوده و هدف آن یافتن مناسب‌ترین و بهترین شیوه‌ارایه مطالب و نحوه‌ی فعالیت‌ها و اجرای ساختاری است که زمینه‌ساز ارتقاء آگاهی‌های زیست‌محیطی در سطح جامعه است (سیمونز^۱، ۲۰۱۲). متأسفانه، وضعیت کنونی در زمینه آموزش محیط‌زیست و به‌طور خاص، آموزش جرایم زیست‌محیطی در نیروی پلیس ایران بسیار ناکافی است. فقدان آموزش نظام‌مند هم در سطح ملی و هم برای افسران پلیس وجود دارد. محققین با پرس و جو در بین تعدادی از افسران پلیس به این نتیجه اولیه رسیده‌اند که آگاهی افسران پلیس در حوزه جرایم محیط‌زیست که دوره‌های دانشگاهی خود را در دانشگاه علوم انتظامی امین به پایان رسانده‌اند، ناکافی است (این برداشت از طریق مصاحبه با چند استاد دانشگاه امین و افسران شاغل در ستاد نیروی انتظامی بدست آمده است و تاکنون مقاله و پایان‌نامه‌ای در این خصوص انجام نشده است). مشکلات زیست‌محیطی و مناطق مستعد که در آن‌ها فرصت‌های بالقوه برای جرایم زیست‌محیطی وجود دارد، تنها به‌طور خلاصه در چارچوب آموزش رسمی برای افسران (جرم‌شناسی) ارائه می‌شود. بر این اساس، این تحقیق می‌خواهد ضرورت و تبیین آموزش پیشگیری و مقابله با جرایم زیست‌محیطی برای افسران پلیس را با ارائه یک الگوی برنامه درسی تلفیقی تشریح نماید. برنامه تلفیقی، آموزشی است که سازمان‌بندی آن با استفاده از خطوط موضوعی متنوع و متفاوت صورت می‌گیرد و از طریق تلفیق موضوع‌های درسی گوناگون روی زمینه‌های

^۱ Simmons

وسیع تر مطالعه سرمایه گذاری می کند. این تعریف، یادگیری و یاددهی را به صورت یک کل می بیند که منعکس کننده دنیای واقعی یاددهنده و یادگیرنده است (شومیکر^۱، ۱۹۹۱). بر این اساس، هدف پنهان و اصلی این تحقیق آن است تا با تدوین یک برنامه آموزشی تلفیقی در حوزه جرائم زیست محیطی باعث افزایش سطح آگاهی و دانش دست اندرکاران این حوزه به منظور سیاستگذاری درست برای آموزش این نوع جرائم شود.

سوالات پژوهش

هدف از اجرای تحقیق حاضر یافتن پاسخی مناسب برای پرسش های زیر بوده است:

- ۱- الزام و ضرورت آموزش جرائم زیست محیطی به افسران پلیس چیست؟
- ۲- الگوی برنامه درسی تلفیقی آموزش جرائم زیست محیطی به افسران پلیس چگونه است؟

ادبیات و پیشینه تحقیق

در هنگام بحث در مورد تربیت و آموزش افسران پلیس در زمینه جرائم محیطی، مروری بر ادبیات می تواند نشان دهد که چگونه این زمینه آموزشی در دنیا شروع به کار کرده است، لذا در این بخش برخی از روندهای تاریخی این موضوع جهت اشراف اطلاعاتی ارائه می شود. بعد از تصویب قانون آلودگی ایالات متحده در سال ۱۹۹۰، تعداد محققین در حوزه جرائم زیست محیطی افزایش پیدا کرد و منجر به تاسیس موسسه ملی آموزش محیط زیست^۲ شد که مسئولیت آموزش بازرسان، بازرسان مدنی، جنایی و متخصصان فنی در حوزه محیط زیست را بر عهده دارند. آموزش پلیس آمریکا در حوزه جرائم زیست محیطی به خوبی توسط کلیفورد^۳ (۱۹۹۸) توصیف شده است. چهار استان کانادایی اتحادیه های اجرایی محیط زیست را تشکیل داده اند. در سال ۲۰۰۳، اجرایی قوانین و

^۱ Shoemaker

^۲ National Environmental Training Institute

^۳ Clifford

مقررات محیط‌زیست در استرالیا و نیوزلند^۱ ایجاد شد. در سال ۲۰۰۵، شبکه زیست‌محیطی آسیا^۲ با ۱۷ کشور عضو در سراسر قاره تشکیل شد. برنامه جرائم محیط‌زیست اینترپل در سال ۲۰۰۹ به عنوان یک واحد مستقل با هدف مبارزه با همه اشکال جرم محیطی ایجاد شد. در اکتبر ۲۰۱۳، این سازمان به منظور کمک به کشورهای عضو در اجرای قوانین و معاهدات محیط‌زیست ملی و بین‌المللی جهت تضمین حفاظت از محیط‌زیست جهان به مقام ریاست بخش امنیت زیست‌محیطی تبدیل شدند. مشابه با اینترپل، یورپل^۳ (۲۰۱۴) نیز جرائم زیست‌محیطی را به عنوان یک سری از اقدامات مختلف که به طور ناخواسته یا عمدی به محیط‌زیست آسیب می‌رساند، تعریف می‌کند. همچنین برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (۲۰۱۶) و ناتو^۴ (۲۰۱۴) که فعالیت‌های زیادی در حوزه حفاظت از محیط‌زیست دارند باید ذکر کرد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو دارای آموزش‌های مناسب برای حفاظت از محیط‌زیست است. در حالی که این نوع آموزش در درجه اول یک مسئولیت ملی است، هدف ناتو تامین حفاظت از محیط‌زیست و آموزش بهره‌وری انرژی است و اذعان دارند ضروری است که آگاهی حفاظت از محیط‌زیست را در برنامه روزانه پلیس گنجانده شود و مسئولیت‌های شخصی آن‌ها را در این زمینه ارتقاء داده شود. برای پیشبرد این هدف، ناتو (۲۰۱۴) افسران ستادی را برای اجرای حفاظت از محیط‌زیست در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تعیین کرده است. بخش محیط‌زیست سازمان ملل متحد (۲۰۱۶) هم‌کاری خوبی با اینترپل (۲۰۰۸)، یورپل (۲۰۱۳) و واحدهای پلیس ملی در زمینه واکنش به مسائل مربوط به جرائم زیست‌محیطی دارد.

^۱ the Australian Environmental Law Enforcement and Regulation for Australia and New Zealand

^۲ the Asian Environmental Network

^۳ Europol

^۴ North Atlantic Treaty Organization (NATO)

کمیسیون اروپا^۱ (۲۰۱۶) بسته قانون آموزش محیط‌زیست اتحادیه اروپا را تدوین کرد. در اروپا این بسته در زمینه آموزش ملی یا محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و با نیازهای خاص و گروه‌های هدف منطبق می‌شود که نمونه‌ای از یک رویکرد منطقه‌ای برای تعیین یک مبنا برای برنامه‌های اجرایی کشور هستند. پیشرفت قابل توجهی در این حوزه زمانی رخ داد که کمیسیون اروپا طرحی را به منظور تضمین حفاظت از محیط‌زیست از طریق قوانین جنایی تصویب کرد. در این طرح بیان شد آموزش و تربیت رسمی و غیر رسمی سازمان-یافته پلیس، بازرسان جنایی، دادستان‌ها و قضات تحقیق باید توسعه داده شوند و بخشی از این دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص جرائم زیست‌محیطی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست از طریق قوانین کیفری است.

همان‌گونه که اشاره شد آموزش محیط‌زیست از نظر بین‌المللی قدمت زیادی ندارد، در ایران نیز آن چه ساختمان و بنای حقوق محیط‌زیست را تشکیل می‌دهد، سابقه چندانی ندارد. در سال ۱۳۳۵ قانون شکار متشکل از یک وزیر، رییس ستاد مشترک ارتش و ۶ نفر متخصص در اجرای قانون شکار مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴ به منظور حفاظت نسل شکار و نظارت بر اجرای مقررات آن تأسیس گردید (قوام، ۱۳۷۵). در سال ۱۳۸۹ به منظور اجرای ماده ۱۷۹ قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (تنفیذی در ماده ۱۲۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و دستورالعمل تشکیل یگان حفاظت محیط‌زیست، برابر این دستورالعمل تشکیل و با رعایت مفاد قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه ۱۳۷۱/۸/۲۴ و آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور و ضوابط مربوطه فعالیت می‌نماید. که بخشی از فعالیت آنان عبارت است از حفاظت از عرصه‌های طبیعی اعم از خشکی و دریا و محیط‌زیست انسانی، حفظ تنوع زیستی و ذخایر

۱ کمیسیون اروپا نقش قوه مجریه را در اتحادیه اروپا ایفا می‌نماید. این کمیسیون مسئول پیشنهاد قوانین، اجرای تصمیم‌گیری‌ها، تنفیذ پیمان‌نامه‌ها و روی هم رفته انجام کارهای روزمره اتحادیه اروپا است.

ژنتیکی حیات وحش ایران اعم از جانوری و گیاهی در اجرای قوانین و مقررات زیست‌محیطی از جمله قوانین شکار و صید، حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و آیین‌نامه‌های اجرایی و ضوابط مربوطه و جلوگیری از تخلفات مربوطه براساس اعلام سازمان و انجام بخشی از وظایف نیروی انتظامی می‌باشد. خط‌مشی اجرائی برنامه‌ها و اقدامات حفاظتی و انتظامی یگان توسط ناجا تهیه و ابلاغ می‌شود و ناجا بر اجرای آن نظارت خواهد نمود و آموزش انتظامی و حفاظتی کارکنان یگان پس از تأمین اعتبار توسط سازمان محیط‌زیست، بر عهده ناجا می‌باشد. فرمانده یگان از بین کارکنان ارشد نظامی یا انتظامی با هماهنگی رئیس سازمان و ناجا تعیین و پس از موافقت ستاد کل، توسط فرمانده ناجا منصوب می‌گردد. لذا مهم است با توجه به نقش آفرینی پررنگ پلیس، آموزش پلیس در حوزه جرایم زیست‌محیطی به صورت تخصصی و جدیدتر پیگیری و برنامه‌ریزان درسی دانشگاه علوم انتظامی امین تمرکز بیشتر در این حوزه داشته باشند.

همچنین در این قسمت به برخی از تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق اشاره می‌شود. سی‌چو و امونس (۲۰۰۶) مقاله‌ای با عنوان «تدریس جرایم زیست‌محیطی در برنامه درسی عدالت کیفری» ارائه داده‌اند که در این مقاله اشاره می‌نمایند ظهور جرایم زیست‌محیطی یک چالش جدید برای مریبان عدالت کیفری ایجاد نموده است. نویسندگان معتقد هستند مردم به طور فزاینده‌ای، آلودگی را به عنوان یک جرم جنایی به‌شمار می‌آورند و معتقدند قوانین متعددی در حوزه حفاظت از محیط‌زیست در دهه گذشته تصویب یا اصلاح شده‌اند تا مجازات‌های کیفری برای متخلفین محیط‌زیست تحمیل کنند، اما مریبان عدالت کیفری به سختی شروع به تأیید این نوع «جرم انگاری»^۱ در برنامه درسی نموده‌اند. این مقاله یافته‌های یک بررسی ملی درباره وضعیت جرایم زیست‌محیطی در عدالت کیفری و برنامه‌های مرتبط در سراسر کشور نیوجرسی آمریکا را مورد بررسی قرار

^۱ criminalization

می‌دهد. در مجموع نویسندگان از افزودن جرم زیست‌محیطی به برنامه‌درسی عدالت کیفری حمایت می‌کنند و دستورالعمل‌هایی برای طراحی چنین مسیری ارائه می‌کنند.

ریستویچ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی از طریق کار پلیس جامعه محور» متذکر شده است جرائم زیست‌محیطی عواقب گسترده‌ای برای محیط‌زیست و توسعه پایدار دارد. این مقاله اشاره به این موضوع دارد که با توجه به حضور فزاینده و خطر جرم و جنایت زیست‌محیطی، به واکنش مناسب جامعه (دولت) نیاز است. این مقاله امکان متحد کردن این تلاش‌ها از طریق به‌کارگیری پلیس جامعه محور اشاره می‌کند. این مفهوم مبتنی بر پلیس مسئله‌محور است، یعنی تشخیص و تحلیل مشکلات و یافتن پیش‌گیری مناسب که از طریق مشارکت فعالان و واکنش اجتماعی با شهروندان تحقق می‌یابد. این مقاله مانع اصلی برای نتایج بهتر در حوزه مقابله با این نوع جرائم را فقدان افسران پلیس متخصص در این نوع جرم و همچنین عدم آگاهی در بین افسران پلیس و شهروندان درباره خطرات آلودگی محیط‌زیست می‌داند و پیشنهاد می‌کند دستورالعمل‌های تدوین‌شده برای مقابله با جرائم زیست‌محیطی باید با چارچوب هنجاری و آموزشی مناسب، با اصول و اساس تکنیکی مناسب، حمایت شود که محیطی مناسب برای اقدام در چارچوب پلیس جامعه محور ایجاد خواهد کرد. همچنین با توجه به مسائل زیست‌محیطی، مردم متخصص و حرفه‌ای باید حتماً در نظر گرفته شوند و پلیس جامعه محور باید بخشی از یک استراتژی جامع و منسجم برای مبارزه با جرائم محیطی باشد.

پاستر، فرانسوا، کنتیچ (۲۰۱۶) مقاله‌ای با عنوان «نیازهای آموزشی جرائم زیست‌محیطی نیروهای پلیس اسلوونی» ارائه داده‌اند. این مقاله یک مرور کلی از تلاش‌ها در پیشگیری و پیگرد جرائم زیست‌محیطی یک دهه گذشته در اسلوونی را پوشش می‌دهد که شامل فعالیت‌های زیر می‌شود: (۱) تعیین نیازهای آموزشی برای سازمان‌های پلیس اسلوونی، (۲) تعیین دانش، نگرش و شیوه‌های فعلی محققان محیط‌زیست، (۳) مدل‌های آموزشی در چارچوب برنامه آموزشی حفاظت محیط‌زیست برای سازمان‌های پلیس اسلوونی و (۴)

ارزیابی عملکرد نظام بررسی و مدیریت جرائم محیط زیست اسلورونی. همچنین نمایی کلی از جنایات محیطی که در حدود ۱۸۳۸ گزارش در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ بود، نشان می‌دهد که تعداد ۸۰۸ مورد بررسی در مورد مسائل مربوط به جرم محیطی است که افزایش قابل توجهی در تعداد و انواع جرائم زیست‌محیطی در دهه گذشته داشته‌است. این تحقیق همچنین چالش‌های مربوط به انواع خاص جرائم زیست‌محیطی را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

این تحقیق، از جنس تحقیقات کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی-استنتاجی است و با توجه به سوال اول تحقیق- تبیین رویکردها و الزامات- از جنس تحقیقات بنیادی و با توجه به سوال دوم- ارائه الگوی تلفیقی- از جنس تحقیقات کاربردی است. این تحقیق، در پی توصیف و شناخت شرایط موجود (توصیف) و از طرف دیگر در پی تحلیل مفاهیم و کشف عناصر و مفاهیم اصلی در زمینه آموزش جرائم زیست‌محیطی برای افسران پلیس است (تحلیل). در تحلیل از روش تحلیل فلسفی استفاده شده که هدف از آن فهم و بهبود بخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختار مفهومی است که بر حسب آنها تجربه تفسیر شود، مقاصد گفته شود، مسائل ساخت‌بندی و پژوهش‌ها به اجرا در آید. در پژوهش تحلیل فلسفی حاضر از «تحلیل استنتاجی» استفاده شده است. این نوع تحلیل به معنای نتیجه‌گیری می‌باشد و منظور از آن این است قاعده استنتاج یا قاعده تحول یک شکل منطقی متشکل از یک تابع است که قضایای اثبات شده را به کار می‌گیرد و آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند، و یک نتیجه (نتایج) باز می‌گرداند.

جامعه پژوهش، شامل تمامی اسناد و منابع معتبر علمی حوزه جرائم زیست‌محیطی و نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، از اسناد علمی چاپ شده در نشریات و درگاه‌های معتبر خارجی و داخلی انتخاب شده است.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای می‌باشد که با بهره‌گیری از مطالعات کتب، مقالات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌های که درباره موضوع محیط‌زیست نوشته

شده است همچنین بررسی اسناد و مدارک موجود در سازمان‌های که در مورد محیط زیست فعالیت پژوهشی دارند مانند سازمان حفاظت از محیط زیست و جمع آوری بیانات ولایت فقیه در حوزه محیط زیست.

لذا در این مطالعه ابتدا از طریق بررسی اسنادی مطالعات پیشین، ضرورت و مولفه‌های آموزش جرائم زیست محیطی تبیین شد سپس از طریق ارائه یک مدل تلفیقی، روش آموزشی مشخصی پیشنهاد شد. چارچوب بخش مدل تلفیقی آموزش محیط زیست و اجرای قوانین آن برای افسران پلیس از ادبیات تحقیق و مقاله‌های این حوزه استخراج شده است (برای نمونه، بوورنکیج پراسرتا راوانگا^۱، ۲۰۱۶؛ سانگان پنیسری^۲، ۱۹۸۹؛ پاستر، فرانسا، کنتیج، ۲۰۱۶؛ ریستویج، ۲۰۱۸ و ...).

گفتنی است با توجه به گسترده بودن دامنه بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام شده جهت تدوین الگوی مورد نظر و عدم توضیح جامع آن در این مقاله در این قسمت تنها بخش‌های اصلی الگو پیشنهادی که دستاورد بررسی‌های عمیق در زمینه آموزش این نوع جرم است، ارائه می‌شود. این بخش‌ها به شرح زیر می‌باشند؛ بخش ۱: مقدمه؛ در این بخش توضیحاتی در خصوص ادغام آموزش زیست محیطی و اجرای قانون محیط زیست برای افسران پلیس با استفاده از نظریه‌ها و بررسی‌های پژوهشگر انجام و سپس تجزیه و تحلیل شد. بخش ۲: رهبری و خط مشی؛ این بخش در خصوص یکپارچه‌سازی مفاهیم آموزش محیط زیست، خط مشی و رهبری می‌باشد. بخش ۳: آموزش محیط زیست؛ این بخش در خصوص مفاهیم، فرآیند، شرایط محیطی، ارائه دانش، درک، ایجاد آگاهی محیطی به افسران پلیس است. بخش ۴: اجرای قانون محیط زیست؛ در این بخش قوانین زیست محیطی حیاتی، اقدامات اجرای قانون محیط زیست و شرایط اجرای قانون محیط زیست آورده شده است. بخش ۵: مشوق؛ تعریف امور مالی و غیر مالی، ادغام آموزش محیط زیست و انگیزه بیان

^۱ Bovornkijpraserta, Rawanga

^۲ Sanganpunyasiri

شد. بخش ۶: شبکه‌سازی؛ در این بخش در خصوص افراد مرتبط که قوانین زیست‌محیطی یا شبکه‌های زیست‌محیطی را اجرا می‌کنند، است. بخش ۷: نتیجه‌گیری؛ این بخش در خصوص ادغام آموزش زیست‌محیطی و اجرای قانون محیط‌زیست برای افسران پلیس است.

یافته‌های تحقیق

سوال اول: الزام و ضرورت آموزش جرایم زیست‌محیطی به افسران پلیس چیست؟

دانش و آگاهی از مسائل و خطرات زیست‌محیطی که تهدیدی جدی برای انسان‌ها است، کلید اقدامات پیشگیرانه بهتر و توسعه روش‌های موثر برای شناسایی و بررسی جرایم زیست‌محیطی است. پیشگیری چنین جنایاتی باید با همکاری همه نهادهای مسئول انجام شود. یکی از این نهادهای مسئول که دانش و آگاهی دادن به آن الزام می‌باشد، پلیس است. هدف از آموزش پلیس در این حوزه این است که پلیس را قادر سازد تا پیشگیری و اجرای قانون را با کیفیت عالی انجام دهد (پاستر، فرانسوا، کنتیچ^۱، ۲۰۱۶: ۴۱۴). جرم محیطی، یا تحمیل مجازات‌های کیفری برای تخلفات محیطی، یک مفهوم نسبتاً جدید است. در حال حاضر، این هنجارها از دولتی به دولت دیگر متغیر است، در حالی که برخی کشورها بیشتر به مجازات‌های کیفری متکی‌اند برخی دیگر بیشتر بر حقوق مدنی یا اداری تکیه می‌کنند. اجرای موثر قوانین و مقررات در حوزه محیط‌زیست می‌تواند قانون‌شکنان را بترساند و عملکرد بهبود یافته‌تری توسط افراد جامعه را تشویق کند. جرم زیست‌محیطی می‌تواند به عنوان هر عمل عمدی یا غیرقانونی یا سهل‌انگاری که منجر به تخریب محیط که اثرات مضر بر انسان‌ها، محیط‌زیست و منابع طبیعی شود، تعریف می‌شود که قابل مجازات توسط قانون است. در این راستا، نقش خدمات پلیس در اجرای قوانین و مقررات زیست‌محیطی نیازمند تجزیه و تحلیل و درک بهتر است تا سیاست‌های اجرایی متصور بر آن بهتر تدوین شود. با این حال، قبل از این که این تجزیه و تحلیل امکان‌پذیر باشد، نیاز به

^۱ Pavšer, Franca, Kontić

شناسایی "چه کسی" چه کاری را در حوزه اجرای قانون محیط زیست در سطح سازمانی انجام می دهد، وجود دارد (تام کینز^۱، ۲۰۰۵:۲۹۴). بنابراین با توجه به هم گرایی جرائم زیست محیطی با جرائم مهمه دیگر اشاره شده، ضرورت آموزش و آگاهی پلیس در حوزه محیط زیست را روشن نموده است.

در ادامه به تبیین آموزش شناخت جرائم زیست محیطی برای پلیس به منظور پاسخگویی بهتر به هدف اول تحقیق پرداخته می شود. اصطلاح تبیین، فرایندی است عقلی - پژوهشی (معرفتی) که براساس دلیل و برهان و به شیوه ای منسجم و منطقی، به بررسی جنبه یا جنبه های گوناگون یک مسئله پرداخته و از پیدایش مسأله ی مجهول یا امر مبهم، به وجود می آید (جمشیدی، ۱۳۶۹). بدون شک اکنون مسائل محیط زیستی از اهمیت بسیار ویژه ای در کشور برخوردار هستند. بحران آب، خشکسالی و کمبود منابع آب زیرزمینی و...، اما مسئله مبهم اینجاست، پلیس چه کمک ویژه ای می تواند برای این مشکلات داشته باشد؟ در واقع چرا پلیس باید در خصوص مسائل محیط زیست آموزش ببیند؟

نگرانی اخیر در رابطه با مسائل زیست محیطی، تاثیر زیادی در مورد مساله اجرای صحیح قوانین جرائم زیست محیطی به وجود آورده است. از آنجا که تخریب محیط زیست یک مشکل فراگیر است، یک دستگاه اجرایی گسترده و فراگیر برای مقابله با آن مورد نیاز است. یکی از این سازمان های اجرای قانون، پلیس است. نقش پلیس در رابطه با مسائل زیست محیطی در حال حاضر مبهم است. با این حال، ورود پلیس در نظارت بر کیفیت محیط زیست، بازنگری جدید و شگفت آوری در مورد نقش پلیس است (پانتون و مایر^۲، ۱۹۷۲:۳۵۸). به منظور تدوین سیاست های اجرایی بهتر برای نقشی که نیروهای پلیس در اجرای قوانین و مقررات زیست محیطی ایفا می کنند نیازمند تحلیل و درک از نقش آنان است. شناسایی سطوح مختلف اجرای قانون محیط زیست مستلزم در نظر گرفتن همه

^۱ Tomkins

^۲ Panton·Meyer

بخش‌های پلیس از سطح بین‌المللی تا سطح محلی است. شناسایی نهادهای مجری قانون محیط‌زیست نیز حائز اهمیت است که بسیاری از موسسات اجرای قانون به طور فزاینده‌ای در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی با یکدیگر هم‌کاری می‌کنند (تام-کیتز، ۲۰۰۵: ۲۹۴).

کار پلیس به طور کلی در مورد مکان و قلمرو است (نگاه کنید به کتاب هربرت، ۱۹۹۷). در این کتاب با عنوان فضای پلیس، فکری بسیار جذاب از نحوه اداره پلیس لس‌آنجلس برای کنترل قلمرو وسیع و ناهمگن آن است. به همین ترتیب، این کتاب یک نگاه عمیق در رابطه بین کنترل فضا و استفاده از قدرت ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، خدمات پلیس دارای یک قلمرو جغرافیایی معین است که از فعالیت‌هایی که به موجب قانون منع شده‌اند و به عنوان جرائم تعریف شده‌اند، مقابله می‌کنند. در این مورد، جرم زیست‌محیطی «اقدام غیرمجاز یا ترک فعلی است که قانون را نقض می‌کند بنابراین به پیگرد قانونی و مجازت-های کیفری منجر می‌شود» (سیچو و اممونس^۱، ۲۰۰۰: ۳).

پلیس، به طور معمول، یک دستگاه حکومتی قانونی است که قدرت اجرای قوانین و در صورت لزوم با روش‌های اجباری در جهان را دارند (رینر^۲، ۱۹۸۵: ۲؛ فرکتون^۳، ۱۹۸۸). به طور سنتی، خدمات پلیس به عنوان «مبارزه با جرم» یا «پیش‌گیری از جرم» شناخته می‌شدند (واددینگتون^۴، ۱۹۹۹). با این حال، خدمات پلیس جامعه‌محور اکنون طیف متنوعی از خدمات را به جامعه ارائه می‌دهد که فراتر از این نگرانی‌های سنتی است (پرون و وایت^۵، ۱۹۹۷: ۱۰-۳۲). سازمان‌های پلیس جامعه‌محور کارکردهای بسیار مختلفی ایفا می‌کند که تعداد زیادی از نقش‌های محوری، قانونگذاری، اجتماعی و انتظامی در جامعه

^۱ Situ & Emmons

^۲ Reiner

^۳ Freckelton

^۴ Waddington

^۵ White & Peron

مدنی را پوشش می‌دهند. برای مثال، پلیس در بسیاری از حوزه‌های قضایی مسئول صدور مجوز سلاح‌های گرم، ارائه گواهینامه وسایل نقلیه موتوری، ارائه خدمات اجتماعی و مهم‌تر از آن، اجرای قوانین زیست‌محیطی است. مشارکت فزاینده پلیس در جامعه مدنی تبدیل به موضوع تحقیقات قابل توجه شده است. در واقع، میزان قابل توجهی از تحقیقات در زمینه رویه‌های عمل پلیس، تاکتیک‌ها که پلیس در حال حاضر در جامعه بازی می‌کند وجود داشته است (تام کینز، ۲۰۰۵: ۲۹۸).

چیزی که توسط مفهوم پلیس جامعه‌محور به عنوان یک روش ارجح برای اقدام علیه جرم زیست‌محیطی توصیه می‌شود دقیقاً همان ایده‌ای است که بر مبنای آن به وجود آمده است که پلیس نمی‌تواند به تنهایی با جرم مقابله کند، بلکه باید بر جامعه تکیه کند و این کار را با هم‌کاری با آنان انجام دهد. پلیس جامعه‌محور در ارتباط با جرائم زیست‌محیطی با پاسخ‌پیشگیرانه و قانونی به ویژه با پیش‌بینی مسائل زیست‌محیطی و راه‌های موثر بر آن، نشان داده شده است. به طور خاص، قبل از اینکه به محیط‌زیست آسیب برسد، شهروندان نقش مهمی در ایجاد حفاظت و پیشگیری از خطر آن (به ویژه در قالب جرائم زیست‌محیطی) دارند، و اگر جرم و جنایت زیست‌محیطی رخ دهد، برای کاهش و از بین بردن عواقب آن نیاز به پلیس محسوس می‌شود. این مفهوم و شیوه کار شامل ارتباط و تبادل اطلاعات و ارتباطات بسیار زیاد بین پلیس و سایر نهادهای مسئول مساله جرائم زیست‌محیطی است. در حالی که شیوه سنتی کار پلیس، سرکوب‌کننده و واکنشی است و با ساختار سازمانی متمرکز و سلسله‌مراتبی، و روابط بین مدیران و ماموران پلیس نوعی نظام اداری است، اما مفهوم پلیس جامعه‌محور براساس ایده پلیس به عنوان خدمات عمومی است و با رویکرد انعطاف‌پذیر و غیرمتمرکز برای کار پلیس مشخص می‌شود، که بر پیش‌گیری از جرم متمرکز دارد. می‌توان گفت که پیشگیری از جرم، ماهیت پلیس جامعه-

محور است (ریستویچ^۱، ۲۰۱۸: ۷۶). با این حال، در محیطی مدرن که اغلب در آن جرائم زیست‌محیطی منجر به عواقب بسیار جدی می‌شود، پلیس بیشتر مسئول واکنش به موقع، هم از طریق مکانیسم‌های پیش‌گیری، و هم از طریق اقدامات و فعالیت‌های بازدارنده می‌باشد (ماتیویچ^۲، ۲۰۰۹).

تا به امروز به کارگیری اصول اولیه و مفاهیم ساخته شده و تقویت یافته و ظرفیت‌های پیشگیرانه برای واکنش به جرم محیطی جوابگو نیستند و یا این اصول درست نیست. لازم است که روش‌های موجود را تطبیق داده و برنامه‌های پیش‌گیری، فعالیت‌ها و اقدامات جدیدی طراحی شود. این امر به این دلیل است که جرم محیطی چالش‌های جدیدی را تحمیل می‌کند که نیاز به اقدام فعال و هماهنگ کل جامعه در برابر این نوع جرم را تعیین می‌کند. پلیس جامعه‌محور باید بخشی از این رویکرد سیستماتیک در مقابله با جرم محیطی باشد. به منظور کارآیی و اثربخشی فعالیت‌های پلیس جامعه‌محور در برابر جرم زیست‌محیطی، در ابتدا باید تهدیدهای امنیتی خاص ناشی از این نوع جنایت و همچنین شناسایی نقش پلیس و روش‌های حل این تهدیدات در این مفهوم درک شود.

گفتنی است، خدمات پلیس و کنترل اجتماعی در بسیاری از حوزه‌های قضایی توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (مک کیولچ^۳، ۲۰۰۱). با این حال، بسیاری از این مطالعات در کشور خاصی و در بسیاری از موارد، بر روی خدمات ویژه پلیس متمرکز بوده است. در سال‌های اخیر شاهد گسترش سازمان‌های مجری قانون بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی بوده‌ایم که در سطح بین‌المللی با یکدیگر هم‌کاری می‌کنند. یکی از نهادهای اصلی مجری قانون، سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل) است که در شکل کنونی آن در سال ۱۹۵۶

^۱ Ristović

^۲ Matijević

^۳ McCulloch

تاسیس شده است. این سازمان بزرگترین سازمان بین‌المللی پلیس جهان است که ۱۸۱ کشور عضو آن در پنج قاره گسترده شده‌اند.

در آخر این بخش باید بیان شود با توجه مطالب گفته شده مشخص شده است که چرا پلیس به عنوان یک کنشگر کلیدی باید در حوزه جرائم زیست‌محیطی ورود نماید اما مساله نوع هم‌کاری پلیس در مبارزه با جرائم محیطی نیازمند تحقیقات قابل توجهی است تا درک شود که چگونه پلیس در حوزه‌های قضایی مختلف می‌تواند خدمات دهد. این مساله به ویژه با توجه به ماهیت بین‌المللی و فرامرزی برخی از جرائم زیست‌محیطی، پلیس باید در چشم‌انداز بلند مدت خود اهداف کلانی در این خصوص ترسیم نماید.

سوال دوم: الگوی برنامه‌درسی تلفیقی آموزش جرائم زیست‌محیطی به افسران پلیس چگونه است؟

اجرای قانون محیط‌زیست فرایندی است که به طور خاص بر ممنوع کردن تخریب محیط‌زیست متمرکز است که این کار به نگرش افسران پلیس بستگی دارد. فرآیند آموزش محیط‌زیست برای ایجاد آگاهی محیطی است که برای هدایت رفتار افسران پلیس برای دستیابی به، دانش، مهارت، مشارکت و توانایی ارزیابی برای حفظ و توسعه منابع طبیعی و محیط‌زیست استفاده می‌کنند. بنابراین این موارد متناسب با موضوعات کارگاه‌های آموزشی ترتیب‌یافته توسط یونسکو (۱۹۷۶) است که موضوعات آموزش زیست‌محیطی از جمله: (۱) ایجاد آگاهی، (۲) ارائه دانش، (۳) ایجاد نگرش، (۴) ارائه مهارت، (۵) ایجاد توانایی ارزیابی، و (۶) تقویت همکاری یا مشارکت را تعریف می‌کند. این موضوعات پیش‌بینی آن است که مردم قادر به درک و ایجاد نگرشی هستند که به مشکلات زیست‌محیطی مربوط به خانواده و جوامع خود پاسخ دهند. مردم باید مسئولیت‌ها و رفتارهای خود را برای توسعه و حل مشکل زیست‌محیطی، حفظ کیفیت محیط‌زیست را به عهده بگیرند.

پیشگیری و بررسی در مورد جرائم زیست‌محیطی و درک قوانین زیست‌محیطی نیازمند دانش و اطلاعات ویژه علوم زیست‌محیطی برای همه کسانی است که با آنان سروکار

دارند. جونز و هورناتو^۱ (۲۰۱۶: ۳۹-۵۶) بر اهمیت بالای اجرای آموزش برای ظرفیت‌سازی ماموران پلیس، بازرسان، دادستان و قضات در بازرسی از التزام به مقررات، بررسی تخلفات و اجرای قانون محیط‌زیست تاکید کردند. اولین گام برای پیشگیری و بررسی کارآمد در مورد جرائم زیست‌محیطی مبتنی بر آموزش سیستماتیک محیط‌زیست است، در واقع ارائه یک برنامه آموزشی به افسران پلیس موضوع اصلی این تحقیق است. محتوای برنامه‌های آموزشی باید براساس تعریف جرم محیطی باشد و باید اطلاعات اولیه مربوط به مسایل محیطی و قانون محیط‌زیست را ارائه نماید. ظاهراً بررسی مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد، جرائم محیطی و موارد مربوط به آن، که جرم‌شناسان قبلاً به این موضوعات پرداخته‌اند، بسیار پیچیده است (فلدس، آریگو و وبب^۲، ۲۰۰۵). مسائلی مانند تغییرات آب و هوا تنها مشکلات جهانی نیستند بلکه مشکلات چند سطحی هستند که اثرات مضر بر حوزه‌های محلی، منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی و فراملی دارند (بولکلی، نول^۳، ۲۰۱۰؛ فرل، جکسون، گرای^۴، ۲۰۰۹؛ وایت، ۲۰۱۲).

برای تدوین و اجرای واحدهای حفاظت از محیط‌زیست برای افسران پلیس در ابتدا باید سطح دانش جرایم زیست‌محیطی تعیین شود. اگرچه تعداد دوره‌های آموزشی افزایش یافته است، اما هیچ نظم و ترتیبی در زمینه آموزش برای افسران پلیس و پرسنل مدیریتی که نیاز به آموزش مشخص و مناسب برای گروه‌های هدف دارند، وجود ندارد. ادبیات علمی موجود عمدتاً برای ماموران تحقیق پلیس (پلیس جنایی) در نظر گرفته شده است. فقدان راهنما و دستورالعمل‌های برای افسران پلیس که با جرائم زیست‌محیطی در پاسگاه‌های پلیس در سطح محلی سر و کار دارند، وجود دارد. بر این است، این تحقیق

۱ Jones and Honorato

۲ Fields, Arrigo, Webb

۳ Bulkeley & Newell

۴ Farral, Jackson, Gray

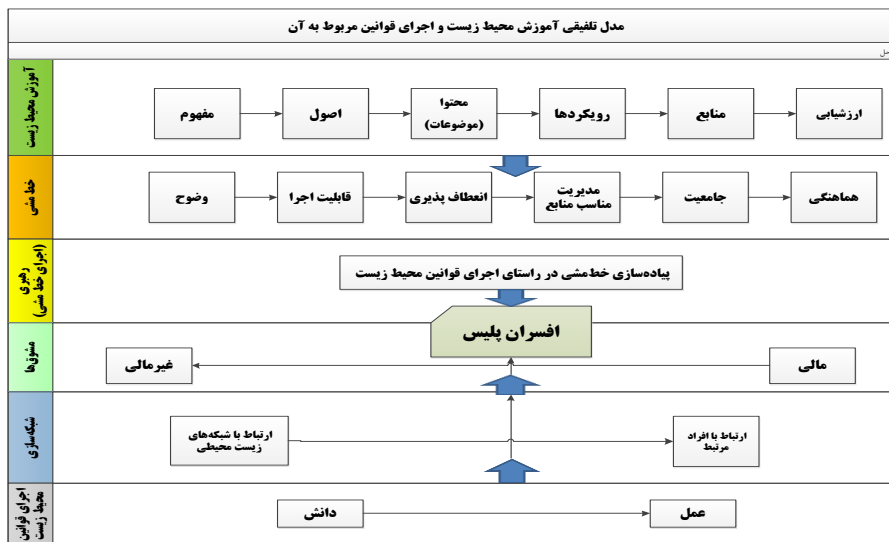
درصد است یک الگوی تلفیقی از آموزش زیست‌محیطی و اجرای قانون محیط‌زیست برای افسران پلیس ارائه نمایند.

در ابتدا در خصوص مفهوم تلفیق^۱ یا ادغام در آموزش توضیح مختصری ارائه می‌شود. آموزش محیط‌زیست از تلفیق آموزش و محیط‌زیست حاصل شده است که از نظر ماهیتی دیدگاهی میان رشته‌ای، فرابخشی و کل‌نگر است. افرادی که در آموزش دخیل می‌باشند، در تلاش هستند تا روش آموزشی برای دانشجویان فراهم کنند که آنان به‌توانند فرآیندهای یادگیری خود را تغییر دهند. در واقع، این هدف آموزش و پرورش است تا به خوبی انسان‌ها را از لحاظ جسمی، ذهنی، هوشمندی، دانشی، روحیه‌ای و اخلاقی پرورش دهند و آنان را به تحقق بخشیدن به ارزش‌های خود، درک خود، و باارزش بودن برسانند و قادر است به طور صحیح و مناسب با درک و تفکر جهانی و اجتماعی به صورت جامع و خلاقانه به حل و فصل منازعات کمک کنند. مدیریت جامع یادگیری، تلفیق مدیریت یادگیری با روش‌های مختلفی است که بر تدریس در شرایط واقعی، خودآموزی، یادگیری مشترک، یادگیری از طبیعت، یادگیری عملی، اندازه‌گیری و ارزیابی مرتبط با فعالیت‌های یادگیری با ارزیابی شیوه‌ها و شرایط واقعی تاکید دارد (جسادور و ته^۲، ۲۰۰۵). با توجه به تلفیقی بودن الگو مورد نظر، بسته به هدف آموزش و یادگیری: (۱) تلفیق دانش و فرایند یادگیری، (۲) تلفیق شناخت و علاقه، (۳) تلفیق دانش و رفتار، (۴) تلفیق یادگیری مدرسه با زندگی واقعی یادگیرندگان، و (۵) تلفیق حوزه‌های موضوعی در آن وجود دارد.

ادغام آموزش‌های زیست‌محیطی و اجرای قانون محیط‌زیست برای افسران پلیس برای دستیابی به اهداف آموزش جرائم زیست‌محیطی در شکل ۱ ترسیم و در ادامه به توضیح بخش‌های آن پرداخته شده است.

^۱ Integration Concept

^۲ Jessadawirote



شکل ۱. مدل تلفیقی آموزش محیط زیست و اجرای قانون محیط زیست برای افسران پلیس

برطبق شکل ۱، هدف مدل تلفیقی آموزش زیست محیطی و اجرای قانون محیط زیست برای افسران پلیس بهبود موثر عملکرد افسران پلیس برای جامعه پایدار و توسعه اجتماعی است. قبل از آغاز بهبود عملکرد افسران پلیس برای ادغام آموزش زیست محیطی و اجرای قانون محیط زیست، مطالعات اولیه مورد نیاز بود. لذا، در بررسی مطالعاتی که در حوزه آموزش محیط زیست انجام شد بیشتر تحقیقات بر عواملی که منجر به بهبود رفتار و نگرش های زیست محیطی می شود، به جای اهداف دیگر متمرکز بودند (برای نمونه: الکساندیر و رودریگز^۱، ۲۰۰۱؛ برکنی و مک اندرو^۲، ۲۰۰۱؛ کوسترالی و کلوکا^۳، ۲۰۰۴؛ هسو^۴، ۲۰۰۴؛ جنکینز و پل^۵، ۲۰۰۶). بنابراین، یکی از مهمترین مولفه برای بهبود عملکرد پلیس در این حوزه توجه به تغییر رفتار و نگرش افسران پلیس است که در زمان آموزش

۱ Alexandre & Rodriguez

۲ Brackney & McAndrew

۳ Costarelli & Colloca

۴ Hsu

۵ Jenkins & Pell

باید مورد توجه قرار گیرد. این مدل تلفیقی از ترکیب آموزش زیست محیطی با اجرای قانون محیط زیست از طریق فرآیند آموزش محیط زیست انجام می شود. این فرایند بر روند تفکر، تحلیل، حل مسئله، تصمیم گیری و در نهایت تغییر رفتار و نگرش تأکید دارد. آموزش زیست محیطی که با اجرای قوانین آن ترکیب شده است فرآیند یادگیری شناخت جرائم زیست محیطی را تشکیل می دهد. یادگیرندگان در این فرایند دانش، درک، آگاهی، نگرش، اصول، مهارت، مشارکت، ارزیابی و همچنین قانون و عمل به آن را کسب می نمایند و به این ترتیب یادگیرندگان به اهداف آموزش زیست محیطی دست خواهند یافت و به طور موثر قانون محیط زیست را اجرا می کنند. علاوه بر این، عوامل مهمی که برای اجرای قانون توسط افسران پلیس موثر است عبارتند از خط مشی، رهبری، مشوق و شبکه سازی. در ادامه هر یک از این چهار مورد به همراه تحقیقاتی که این عوامل را بررسی نموده اند، توضیحاتی ارائه می شود:

۱) خط مشی برای انجام عملیات مهم است. حفظ محیط زیست به مسائل زیادی در ارتباط است که بزرگترین و مهمترین آن مساله خط مشی گذاری است. خط مشی ها اصولی هستند که به تصمیم ها، اقدامات و فعالیتهای سازمان جهت می دهند و آنها را در مسیر تحقق اهداف تنظیم می نمایند (دای، ۱۹۹۸). تحقیقات گسترده ای در راستای تدوین خط مشی و به ویژه اجرای خط مشی گذاری زیست محیطی در ایران و جهان وجود دارند که به کارگیری آنها در گذشته و حال نتوانسته است در زمینه تدوین و آموزش موفق خط مشی های زیست محیطی کشور گشایشی ایجاد کنند (برای نمونه: اصلی پور و همکاران، ۱۳۹۳؛ معطوفی و دنکوب، ۱۳۹۶؛ مک لافلین و کرانزبرگ^۱، ۲۰۱۱؛ کاستکا^۲، ۲۰۱۴، وستراگر^۳ و همکارانش، ۲۰۱۶). هر چند در بعد کلان می توان خط مشی های کلی محیط زیست مانند

^۱ McLaughlin & Krantzberg

^۲ Kostka

^۳ Vesterager

ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط زیست، جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی از خط‌مشی‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۴ اشاره کرد که متأسفانه هنوز نتوانسته به خوبی در کشور پیاده‌سازی شود. بنابراین محققین در این زمینه درصدد برآمدند تا با الگویی آموزشی تلفیقی بومی برخواسته از تجربیات پژوهش‌های مختلف بتواند رویکردی نوینی در آموزش موفق خط‌مشی‌های کلان زیست‌محیطی که مهمترین آن برای پلیس جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی است در ایران ایجاد کنند.

نکته مهم آن است که خط‌مشی باید صراحت و وضوح، قابلیت اجرا، انعطاف‌پذیری، جامعیت، هماهنگی، مستدل بودن، متمایز بودن از قانون و کتبی بودن برخوردار باشد (فرد دیوید، ۲۰۰۹). بنابراین، اجرای صحیح قانون‌های زیست‌محیطی بر علیه جرائم زیست-محیطی نیازمند وضوح، شرایط مرتبط، مدیریت مناسب منابع و قابلیت عملیاتی بودن، است و بر اساس این نیازهای اولیه، افسران می‌توانند به طور موثر به درخواست‌های مردم و جامعه پاسخ دهند. در واقع، کسانی که خط‌مشی را تدوین می‌نمایند باید دانش زیست‌محیطی و فرآیند یادگیری مرتبط با اهداف آموزشی محیط‌زیست را داشته باشند.

۲) رهبری و اجرای خط‌مشی‌ها، هر خط‌مشی بعد از تدوین به اجرا نیاز دارد و می‌تواند آنرا به صورت فرایندی که در آن برنامه‌ها یا خط‌مشی‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند، تعریف کرد، مرحله‌ای که نشان می‌دهد خط‌مشی‌ها چگونه عملی می‌شوند (هیل^۱: ۲۰۰۱، ۱). اجرا در مراحل آخر فرایند خط‌مشی‌گذاری قرار دارد که معمولاً کمتر دیده می‌شود و اغلب مورد غفلت مدیران و دست‌اندرکاران واقع شده و با کم‌توجهی مواجه می‌شود. بنابراین باید عنوان کرد که خط‌مشی‌های تدوین شده در حوزه محیط‌زیست به‌ویژه سیاست‌های کلی محیط‌زیست که توسط مقام معظم رهبری به سران سه قوه ابلاغ شده است، فی‌نفسه

^۱ Hill

مطلوب و کارآمد تدوین شده است اما نیاز به اجرای کامل این سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها یک اصل اساسی است که باید با اتکا به توان مدیریتی مدیران و متخصصان این حوزه موانع اجرای این خط‌مشی‌ها شناسایی و رفع شود. بنابراین، یک رئیس پلیس باید توجه خود را معطوف به پیاده‌سازی خط‌مشی در راستای اجرای قوانین محیط‌زیست نماید و رهبری مناسبی برای این نوع سازمان‌ها داشته باشد. یک رئیس مجبور است مأموران پلیس را رهبری کند تا نقش مهم خود در اجرای قوانین محیط‌زیست را به طور موثر درک کنند. ۳) دادن مشوق‌ها، تحقیقات زیادی بر نقش مثبت مشوق‌ها تاکید شده است و مشخص شده است که پاداش می‌تواند تاثیر مثبتی بر انگیزه و عملکرد داشته باشد (برای نمونه: حبیبی‌پور، ونکی و حاجی‌زاده، ۱۳۸۸؛ دمیرکول^۱، ۲۰۱۲؛ ادیرسورسا^۲، ۲۰۱۴). سازمان پلیس و نیز دولت می‌توانند مشوق‌ها و محرک‌های اقتصادی را برای افسران پلیس از طریق کمک هزینه زندگی، پاداش مالی، تشکر و قدردانی، یارانه از صندوق‌های ملی محیط‌زیست به-وجود آورند. علاوه بر این، مشوق می‌تواند غیرمالی مانند فرصت‌های ارتقا و ترفیعات باشد. دولت هم از طریق پرداخت‌های مستقیم می‌تواند طرف‌های درگیر در قضیه را تشویق کند تا به فعالیت‌هایی دست بزنند.

۴) شبکه‌سازی به گردآوری افراد و سازمان‌های مرتبط تحت شبکه زیست‌محیطی اشاره دارد. این امر برای ایجاد شبکه هم‌کاری بین سازمان‌های اجرای قانون مانند سازمان حفاظت از محیط‌زیست، سازمان جنگل‌ها و مراتع، وزارت جهاد و کشاورزی، دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران، پلیس پیشگیری ناجا بخش یگان حفاظت از محیط‌زیست و سایر موسسات ملی و بین‌المللی همچون بنیاد حیات وحش، سازمان توسعه کیفیت زیست‌محیطی، جامعه جهانی برای حفاظت از حیوانات و... مهم است.

^۱ Demirkol

^۲ Edirisooriyaa

بنابراین، افسران پلیس می‌توانند آموزش محیط‌زیست و اجرای قانون را تلفیق کرده و آگاهی محیطی خود را افزایش داده که باعث توسعه پایدار محیط‌زیست شوند. تحقیقات مرتبط دیگر هم نشان داد که ادغام آموزش زیست‌محیطی و درسهای دانشجویی وجود دارد (وراپونگ، ۲۰۰۸).

نتیجه‌گیری

جرم محیطی به عنوان یک نوع خشونت خاموش تعریف شده‌است که قوانین محیطی موجود را نقض می‌کند و محیط‌زیست و سلامت عمومی را از بین می‌برد (فرانک و لینچ، ۱۹۹۳). اگر قانون زیست‌محیطی صریح و سیاست دولت برای اجرای این قوانین وجود نداشته باشد، آموزش جرائم زیست‌محیطی برای پلیس و دیگر متخصصان حرفه‌ای که در پیش‌گیری، تحقیق و تشخیص جرم محیطی دخیل هستند، کافی نخواهد بود. این تحقیق، ضرورت‌ها و الزامات شناخت جرائم زیست‌محیطی و آموزش پیشگیری و مقابله با آن برای افسران پلیس تا حدودی مشخص شده است. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که تحقیقات در زمینه جرائم زیست‌محیطی در مقایسه با جرم و جنایت دیگر، با توجه به امکانات و آموزش‌های موجود، در شرایط نامساعد قرار دارند. تحقیقات مربوط به جرم محیطی نه تنها به مهارت‌های اکتشافی، بلکه سطوح بالایی از آگاهی محیطی را برای تعیین میزان جرم محیطی که رخ داده‌است، نیاز دارد. بالا بردن آگاهی و آموزش مناسب محیطی از طریق آموزش‌های ویژه، کلید پیشرفت در اقدامات پیشگیرانه و کارایی روش‌ها در تحقیقات جنایی زیست‌محیطی است. پیش‌گیری و بررسی جرائم محیطی و درک قانون محیط‌زیست مستلزم دانش افزوده‌تر و خاص از علوم محیطی برای همه افراد درگیر است. جونز و همکاران (۲۰۰۶) بر اهمیت بالای اجرای آموزش برای ظرفیت‌سازی پلیس، برای بازرسان، دادستان‌ها و قضات در بازرسی برای بررسی موارد تخلف، بررسی موارد نقض قوانین و اجرای قانون حفاظت از محیط‌زیست تاکید کردند. در واقع، اولین گام برای پیش‌گیری و موثر بودن تحقیقات در حوزه جرائم زیست‌محیطی براساس آموزش نظام‌مند

محیطی، آموزش و آگاهی برای افسران پلیس و بازرسان جنایی است که موضوع اصلی این تحقیق است. محتوای برنامه‌های آموزشی باید براساس تعریف جرم محیطی باشد و باید اطلاعات اولیه مربوط به مسایل محیطی و قانون محیط‌زیست را ارائه گردد.

در بحث نهایی، مجدداً تاکید می‌شود که آموزش و تربیت پلیس باعث یک پیوند مهم در حفاظت از محیط‌زیست و پیشگیری از آسیب‌های بیشتر زیست‌محیطی می‌گردد. نتایج تجزیه و تحلیلی که از بررسی ضرورت‌ها و الزام نیازهای آموزشی پلیس در این حوزه به دست آمده‌اند، ثابت کرده‌اند که فراهم کردن آموزش برای رسته‌های مختلف و سطوح پلیس ضروری است. نتایج این بررسی‌ها همچنین باید در آینده به عنوان مبنایی برای طراحی برنامه‌های عمومی و واحدهای آموزشی که می‌توانند به طور مستقیم به عملکرد موثرتر و کارآمد پیش‌گیری، بررسی و تشخیص جرم محیطی کمک کنند، ادامه یابد. براساس این نتایج این تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که چه دانشی و چه مهارت‌هایی برای ارتقا، و چگونگی بهبود اثربخشی آموزش پلیس ضروری است.

پیشنهادها

۱- ارتقاء دانش، آگاهی و نگرش نسبت به حفظ محیط زیست و شناخت جرائم مرتبط با آن برای تمامی نیروهای پلیس از طریق آموزش ضمن خدمت صورت پذیرد.
 ۲- واحد درسی با عنوان آموزش شناسایی جرائم محیط زیست و راهکارهای مقابله با آن در دانشگاه علوم انتظامی برنامه‌ریزی شود.
 ۳- نحوه تعامل و اجرای قوانین محیط‌زیست توسط پلیس با توجه به الگوی تلفیقی پیشنهادی به‌روز رسانی شود.

۴- پژوهشی با هدف سنجش اثربخشی مدل ترکیبی آموزش زیست‌محیطی و اجرای قانون محیط‌زیست برای افسران پلیس که در این تحقیق مولفه‌ها و چهارچوب آنها معرفی شد، انجام شود و از آنجا که، پلیس به عنوان یک کشگر کلیدی در حوزه جرائم زیست‌محیطی ورود می‌نماید مساله نوع هم‌کاری پلیس در مبارزه با جرائم محیطی و نحوه

آموزش قوانین به آنها نیازمند تحقیقات قابل توجهی است تا درک شود که چگونه پلیس در حوزه‌های قضایی مختلف می‌تواند خدمات دهد.

۵- نگرش و رفتار افسران پلیس در خصوص جرائم زیست‌محیطی و نحوه پیشگیری آن توسط نیروی انتظامی بررسی شود.

منابع

- محمد حسن فطرس، مهدی فردوسی، حسین مهریما. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر شدت انرژی و گسترش شهرنشینی بر تخریب محیط زیست در ایران (تحلیل هم جمعی). محیط شناسی، ۲۲-۱۳.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۶۹). مبانی و روش شناسی تبیین (با تأکید بر اندیشه سیاسی). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- Barrett, S, White, R. (۲۰۱۷). Disrupting environmental crime at the local level: an operational perspective. Palgrave Communications, ۸-۱.
- Bovornkijpraserta, S, Rawanga, W. (۲۰۱۶). Integration of Environmental Education and Environmental Law Enforcement for Police Officers. INTERNATIONAL JOURNAL OF ENVIRONMENTAL & SCIENCE EDUCATION, ۵۶۹۸-۵۷۰۹.
- Bulkeley, H., & Newell, P. (۲۰۱۰). Governing climate change. London: Routledge.
- Clifford, M. (۱۹۹۸). Environmental crime: Enforcement, policy, and social responsibility. Gaithersburg: Aspen.
- Elliott, L. (۲۰۱۲). Fighting Transnational Environmental Crime. Journal of International Affairs, vol. ۶۶, no. ۱.
- Farrall, S., Jackson, J., & Gray, E. (۲۰۰۹). Social order and the fear of crime in contemporary times. Oxford: Oxford University Press.
- Fields, C. B., Arrigo, J. E., & Webb, K. R. (۲۰۰۵). Measuring crossnational crime and criminality: Methodological considerations and concerns. In & H. In C. B. Fields, Comparative criminal justice: Traditional and non-traditional systems of law and control (pp. ۱۸-۳). Long Grove: Waveland Press.
- Frank, N. and M. Lynch. (۱۹۹۳). Corporate Crime, Corporate Violence: A Primer. New York: Harrow and Heston.
- Freckelton, I & Selby, H. (۱۹۸۸). Policing in Our Society. Brisbane: Butterworths.
- Herbert, S. (۱۹۹۷). Policing Space Territoriality and the Los Angeles Police Department. Minneapolis: University of Minnesota Press.

- INTERPOL-UN Environment (۲۰۱۶). Strategic Report: Environment, Peace and Security – A Convergence of Threats. Available at www.interpol.int and www.unep.org
- Jessadawirote, S. (۲۰۰۵). Integrated Teaching Management. ۲nd Edition. Bangkok: Nitibannakarn.
- Jones, D. Honorato, I. (۲۰۱۶). Capacity Building and Collaboration: Enforcement Training to Build Capacity that Ensures Environmental Protection. In & G. In R. White, Part of the Palgrave Studies in Green Criminology book series (PSGC) (pp. ۵۶-۳۹). London: Palgrave Macmillan.
- Matijević, M. (۲۰۰۹). Specific features of the suppression of ecological crime. In Proceedings: Ecological Security in the Post-Modern Environment (pp. ۵۰-۶۲). Banja Luka: Pan-European University.
- McCulloch, J. (۲۰۰۱). Blue Army: Paramilitary Policing in Australia. Carlton South: Melbourne University Press.
- Neslen, A. (۲۰۱۶). Value of eco crimes soars by ۲۶ % with devastation impact on natural world. The guardian, BST.
- Panton, E., J., C. Meyer, C., J. (۱۹۷۲). Expanding the Role of Local Police in Environmental Protection. Boston College Environmental Affairs Law Review, ۳۶۴-۳۵۸.
- Pavše, N, Franca, B, Kontić, B. (۲۰۱۶). Environmental Crime Training Needs Analysis of Slovene Police Forces. Revision of the criminal law in criminology, ۴۱۴-۴۲۹.
- Reiner, R. (۱۹۸۵). Politics of the Police. Sussex: Wheatsheaf Books.
- Ristović, S. (۲۰۱۸). environmental crime prevention through the work of community policing. HeinOnline, ۸۶-۷۵.
- Sanguanpunyasiri, S. (۱۹۸۹). The knowledge and awareness of police officers in Western part of Thailand concerning environmental law. Mahidol University, Nakhon Pathom.
- Situ, Y & Emmons, D. (۲۰۰۰). Environmental Crime: The role of the criminal justice system in protecting the environment. Thousand Oaks California: Sage.
- Simmons, B. (۲۰۱۱). Excellence in Environmental Education, Guidelines for Learning K-۱۲, Executive Summary and Self- Assessment Tool, . Washington D.C.: North American Association for Environmental Education.

- Shoemaker, B.J.E.(۱۹۹۱). Education ۲۰۰۰: Integrated Curriculum. Phi Delta Kappan, ۷۲, pp.۷۹۳-۷۹۶
- Tomkins, K. (۲۰۰۵). Police, Law Enforcement and the Environment. CURRENT ISSUES IN CRIMINAL JUSTICE, ۳۰۶-۲۹۴.
- Waddington, P. J. (۱۹۹۹). Policing Citizens. London: University College London Press.
- White, R & Perrone, S . (۱۹۹۷). Crime and Social Control: An Introduction. Oxford: Melbourne : Oxford University Press.
- White, R. (۲۰۱۲). NGO engagement in environmental law enforcement: Critical reflections. Australasian Policing, ۴(۱), ۴-۷. Australasian Policing , ۴-۱۶.
- Worapong, S. (۲۰۰۸). The integration of environmental education for basic education level teachers. Nakhon Pathom: Mahidol University.